

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده هنرهای کاربردی

پایاننامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته صنایع دستی

عنوان

بررسی تطبیقی هنر میناکاری ایران و روسیه (عصر قاجار)

استاد راهنما:

دکتر محمد تقی آشوری

عنوان بخش عملی

طراحی زیورآلات با الهام از نقوش ظروف مینایی عصر قاجار

استاد مشاور:

دکتر احمد تندی

نگارش و تحقیق:

حکیمه شریعت نیا

شهریور 1391

چکیده

مطالعه‌ی تحلیلی و تطبیقی از هنر میناکاری دوره قاجار و میناکاری قرن 19 میلادی در روسیه و تحولاتی که در این هنر در ادوار تاریخی در سرزمین‌هایی تقریباً همسایه اتفاق افتاده است، مهمترین هدفی است که این رساله دنبال کرده است. برای بررسی ویژگی‌های آثار مینایی تولید شده‌ی عصر قاجار در ایران به آگاهی اجمالی به سابقه‌ی هنر میناکاری و تغییرات و تحولاتی که این هنر در دوره‌های تاریخی دچار آن شده است، نیازمندیم. پیشینه‌ی این هنر در ایران که به زمان هخامنشیان می‌رسد، در زمان ساسانیان دچار تحولی بزرگ می‌شود، بنا بر نظر بسیاری از محققان تاریخ هنر، این دوره اوج شکوفایی هنر میناکاری است و معتقدند که میناکاران بیزانس و به دنبال آن سایر ممالک خارجی، این هنر را با آن ویژگی‌های عالی و شگفت‌انگیزش، از هنرمندان ایرانی در دوره ساسانیان فراگرفتند. بعدها این هنر دارای فراز و نشیب‌های فراوانی شد. در دوره قاجار استادکاران میناکار تغییراتی پدید می‌آورند که خاص این دوره است. تغییراتی در زمینه‌ی کارکرد، رنگ آمیزی، مضامین مورد استفاده و غیره. در روسیه، این هنر برای اولین بار در شهر کیف تحت تاثیر هنر میناکاری ایران عصر ساسانی به شکوفایی رسید. سپس هنرمندان روسی، براساس نیازها، اعتقادات و سلیقه خود تغییراتی در به‌کارگیری لعاب مینا پدید آوردند. در میان دوره‌های تاریخی روسیه، برخی کارشناسان اوج هنری میناکاری روسیه را قرن 19 میلادی که همزمان با حکومت سلسله قاجار در ایران است، میدانند. با مطالعه و تجزیه و تحلیل ویژگی‌های خاص هنر میناکاری این دو کشور به نقاط اشتراک و افتراقی میرسیم که نشانگر وجود ارتباطات و تبادلات هنری و فرهنگی میان ملت‌ها است.

واژگان کلیدی: میناکاری، هنر میناکاری در روسیه، هنر میناکاری در ایران، عصر قاجار

فهرست

مقدمه

1

3

4

4

5

5

5

6

7

14

21

33

42

52

82

85

89

95

100

الف. بطن مسئله

ب. بسترینه‌ی تحقیق

ج. اهداف کلری و تفرضی

د. فرضیه‌ی تحقیق

هـ. روش تحقیق

و. موانع و محدودیت‌های تحقیق

فصل اول: میناکاری عصر قاجار

تاریخ تحول هنر مینا در ایران

مینا سازی در ایران قبل اسلام

میناسازی در ایران پس از اسلام

میناکاری ایران در دوره قاجار

تکرک میناکاری دوره قاجار

مضامین رایج در آثار مینایی دوره قاجار

هنرمندان میناکار دوره ی قاجار

فصل دوم: میناکاری روسیه (قرن 19

میلادی).

میناکاری شهر کف (قرن 11 و 12 میلادی)

میناکاری شهر مسکو (قرن 17 میلادی)

میناکاری یسولسکی، شهر سالوچینسک (اواخر قرن 17 میلادی)

میناکاری ولکی اوسنگ (اواخر قرن ۱۷ - قرن ۱۸ میلادی)

میناکاری روستوف (نیمه دوم قرن 18-ابتدای قرن 19 میلادی)

.....107.....

مخاکاری شهر ستپترزبورگ (قرن 18 میلادی و نهمه ی اول قرن 19 میلادی)

.....113.....

مخاکاری مسکو (اواخر قرن 19 و اوایل قرن 20 میلادی)

فصل سوم: بررسی تطبیقی هنرمیناکاری عصر قاجار و روسیه در قرن 19

125میلادی

گزارش کار

142عملی

فهرست منابع و

150مآخذ

مقدمه

سیر خروج انواع اشیاء نفیس فرهنگی و هنری از ایران، بستری مناسب برای پژوهشگران غربی فراهم آورد تا مطالعه‌ی هنر ایران را به طور جدی شروع کنند. تعداد بی شماری اثر تاریخی در گون‌ها و شاخه‌های مختلف هنری و فرهنگی ایران، در نظر اروپاییان اسرارآمیز و عجیب و غریب مینمود. ماحصل این آثار تالیف کتابها و نوشتارهای بسیاری بود که هرکدام دریچه‌های به جهان هنر ایران می‌گشود، که سبب گردید نتایج بسیار چشمگیر و متنوعی در این حوزه به دست آید. در این میان پژوهشگران ایرانی نیز افق‌های جدیدی را در مطالعه فرهنگ و هنر سرزمینشان باز نمودند. در این میان بعضی از هنرها، در امر پژوهش و تحقیق محجور ماندند. از جمله هنر میناکاری، که دارای سابقه‌های دیرینه در ایران است و در طول قرون مختلف، انواع نقوش، تکنیک‌های گوناگون و ویژگی‌های منحصربه‌فرد خود را در زمانه خویش را در خود جای داده است.

توجه به تنوع انواع میناکاری، که هرکدام به نقش خاص خود قابل شناسایی هستند و با توجه به تغییراتی که در شیوه‌ی ارائه و انتخاب نقوش و کاربرد، در طول زمان دارند جای خالی پژوهش را در این امر به خوبی نشان میدهد.

در تاریخ ایران، دوره قاجار از ادوار شکوهمند است. در این دوره با توجه به فراز و نشیب‌های سیاسی داخلی و خارجی و تغییر و تحولات جهانی که هر یک تاثیر به سزایی در موقعیت سیاسی و فرهنگی ایران داشته است دوره‌ی پراهمیتی نیز برای هنر نقاشی و همچنین نقاشی بر روی فلزات محسوب میشود. عصر قاجار دروازه‌ی عبور از هنر سنتی متأثر از شرق به هنر مدرن متأثر از غرب است. در این میان هنرمندان میناکار نگرش و ابعاد تازه را تجربه میکنند. زیرا در هیاهوی مشکلات سیاسی اجتماعی، توجه و حمایت پادشاهان این دوره از هنر منجمله میناکاری و ارتباط هنرمندان ایرانی با سبکها، روشها و تکنیک‌های خارجی به تجربه‌های تازه و بدیع و خلاقانه در این هنر دست یافتند. از میان کشورهای در ارتباطات فرهنگی و هنری با ایران عصر قاجار، کشور روسیه در همسایگی ایران است. روابط تجاری و سیاسی میان این دو کشور، همپای روی کار آمدن روسیه به مرکزیت

مسکو، به تدریج از نیمه دوم قرن 15 میلادی توسعه یافت و در دوره قاجار به اوج خود رسید. ارتباطات هنری و فرهنگی میان دو کشور در دوره قاجار تا بدان جا پیش رفت که گروه عظیمی از هنرمندان ایرانی برای فراگیری برخی از هنرها به روسیه اعزام شدند. یکی از این هنرها نقاشی و به خصوص نقاشی بر روی فلزات است. میدانیم هنر میناکاری در روسیه نیز از پیشینه درازی برخوردار است.

در این پژوهش ابتدا به تشریح و توضیح در باب هنر میناکاری در عصر قاجار و روسیه پرداختیم و ویژگیهای هنری آثار مینایی این دوره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سپس آثار میناکاری شده این دو کشور مورد مقایسه قرار دادیم تا میزان تاثیرپذیری و تاثیرگذاری یک هنر مشترک میان دو کشور متفاوت اما همسایه را بررسی کنیم.

الف. بیان مسئله

میناکاری یا میناسازی هنر نقاشی بر روی فلزات است. این هنر از عصر هخامنشیان در ایران رواج داشته و در دوره ساسانیان به اوج شکوفایی و بالندگی هنری خود میرسد. در کتاب هنر ایران نوشته آرتورپوپ آمده است که نقاشی بر روی فلزات بازرشی چون نقره به شیوه‌های که امروزه به مینای خانه بندی یا حجرهای معروف است، انجام میگرفته است. این هنر دچار تحولاتی شد که برخی به سبب آن، نقطه اوج این هنر را عصر صفویه میدانند. (در این دوره میناکاری بر روی ظروف نقره با طرحهای بزم در دربار و یا طرحهای شکار و همچنین نقوش اسلیمی و ختایی با تکنیک مینای نقاشی که به سبب سهولت انجام این تکنیک در مقایسه با روش مینای حجرهای متداول شد، که متأسفانه به تجاری شدن این هنر دامن زد). در زمان افشاریه و زندیه، به دلیل شرایط سیاسی و اجتماعی خاص و نبود یک حکومت واحد و قدرتمند؛ هنر میناکاری دچار رکود چشمگیری شد به طور محدود به حیات خویش ادامه داد. سپس در عصر قاجاریه این هنر از جمله هنرهایی است که به دلیل علاقه پادشاهان به این شیوه از نقاشی، از لحاظ تکنیک و روش کار، ترکیب رنگها، نقوش متنوع به پیشرفتی چشمگیر رسید.

میناکاری روسیه از زمانهای دور تا قرن 19 میلادی به نام فنیت شناخته شده است. از قرن 12 میلادی تاکنون براساس شواهدی که در دست است از این هنر با ویژگیهای متفاوت هنری و

تکنیکی برای تزئین وسایل و اشیاء لوکس اشرافی و قیمتی استفاده می‌شده است. این هنر در روسیه اکثراً با تکنیک خانه‌بندی و یا حجرهای بر روی فلزات انجام می‌شده است. این شیوه از کار اولین ویژگی مشترک هنر میناکاری میان این دو کشور است.

در این پژوهش بر آنیم تا با شناسایی و بررسی ویژگیهای هنری (طرح، نقش، رنگ) و ساختاری کاربردهای متفاوت و تکنیک ساخت؛ هنر میناکاری در ایران قاجاریه و روسیه تزاری (1785 میلادی - 1925 میلادی) به بررسی تطبیقی این هنر در دو کشور متفاوت اما همسایه که در طول تاریخ در ارتباطات تنگاتنگ فرهنگی و سیاسی بوده‌اند، پردازیم.

ب. پیشینه تحقیق

امروزه تحقیق و پژوهشهایی در باب هنر قاجار انجام شده است، که اکثراً در مورد نقاشی و معماری این دوره میباشد. و به هنر میناکاری کمتر پرداخته شده است. تعدادی اشارات کوتاه در سفرنامهها و خاطرات سیاحان و رجال این دوره دیده میشود، ولی ویژگیهای دقیق و کاملی از هنر میناکاری به محقق ارائه نمیدهند. در تعدادی از کتابها، مثل گرایش به غرب (خلیلی، 1383)، اوجهای درخشان هنر ایران (اتینگهاوزن، 1379)، سیری در هنر ایران (پوپ، 1387)، هنرهای ایران (فریه، 1374) و سیری در صنایع دستی ایران (جی گلداک، 1376) به طور کلی و مختصری درباره تاریخچه هنر میناکاری مطالبی ذکر شده است. همچنین پایاننامه هنر مینا (دقت، 1372) که پژوهشی است در باب هنر مینا. متأسفانه مطالب درباره دوره قاجار و هنر این دوره موجود اما بسیار گسترده است. و محقق برای به دست آوردن اطلاعات دقیق و کافی به مطالعه گسترده در موزهها، کتب، نسخ خطی و ... نیاز مند است.

درباره هنر میناکاری روسیه متأسفانه هیچ گونه منبع فارسی یافت نشد. تعداد انگشت شماری مقاله در سایت google scholar، و اطلاعاتی در بخش کتابخانههای سایتهای موزههای خارجی، موجود است. لازم به ذکر است که منابع موجود در زمینه میناکاری بیشتر شامل مطالبی در زمینه ساخت و تاریخچه مختصری از آن است.

ج. اهداف کلی و تفصیلی

نگارنده در این رساله بر آن است تا ضمن بررسی هنر میناکاری دوره قاجار در ایران و روسیه به موضوعات نیز ذیل بپردازد:

- میزان تاثیر پذیری هنر میناکاری روسیه از هنر میناکاری عصر قاجار

- میزان تاثیر گذاری هنر میناکاری روسیه بر هنر میناکاری عصر قاجار

- شناخت تکنیکهای میناکاری در عصر قاجار و روسیه

- شناخت طرحها و نقوش مورد استفاده در اشیاء میناکاری شده در عصر قاجار و روسیه

د. فرضیه تحقیق

فرضیهی این پژوهش آن است که با توجه و آگاهی از این موضوع که هنر میناکاری در ایران پیشینهی قدیمیتری از هنر میناکاری در روسیه دارد، این هنر در ازمنهی قدیم از ایران به کشور روسیه رفته است و سپس هنرمندان روسی ویژگیهای هنری و خصوصیات تکنیکی متفاوت (در دورههای مختلف تاریخی) برای هنر میناکاری خود تعریف کردهاند و در تبادلات هنری و فرهنگی میان ایران و روسیه در دوره قاجار بر مینای ایران تاثیر گذاشتهاند.

فرضیه دیگر این تحقیق این است که با توجه به آنکه هنر میناکاری ایران در مقایسه با هنر میناکاری روسیه از قدمت بیشتری برخوردار است همواره در طول تبادلات هنری و فرهنگی میان این دو کشور، میناکاری ایران بر هنر میناکاری روسیه تاثیرگذار بوده است.

هـ. روش تحقیق

ابتدا به گردآوری اطلاعات، از طریق مطالعه و مشاهدی آثار و منابع تصویری و مکتوب فارسی، انگلیسی، اینترنتی و بازدید از موزهها و مجموعههای خصوصی، هنر میناکاری قاجار و روسیه به شیوهی کتابخانهای و میدانی گردید و سپس اطلاعات با توجه به پرسشهای کلیدی پژوهش مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت.

و. موانع و محدودیت‌های تحقیق

کمبود و یا بهتر بگوییم نبود منابع مکتوب که به طور مستقیم مرتبط با این مقوله باشد و همچنین نارسایی مطالب از عمده‌ی این موانع است. به ویژه در مبحث میناکاری روسیه که حتی در مقالات انگلیسی هم به منابع قابل توجهی بر نخوردیم

هنر میناکاری عصر قاجار

تاریخ تحول هنر مینا در ایران

در فرهنگ معین میناسازی این گونه تعریف شده است: "نقاشی و تزئین فلزات مختلف از قبیل طلا و نقره و مس به وسیله رنگهای لعابدار مخصوص که در حرارت زیاد پخته و ثابت شود." (معین، 1377، 4511)

"در برخی از موارد میناکاری بر روی کاشی، سرامیک، شیشه انجام گرفته است اما باید گفت ماده اصلی میناکاری را فلز تشکیل میدهد و آن هم بیشتر با مدد مس لازم به یادآوری است که در بعضی از کارگاهها میناسازی بر فلزات گرانبها همانند نقره و طلا نیز رایج است." (فقیهی، 1362، 256)

در مورد سابقه این هنر، به درستی نمیتوان نظر روشن و قاطعی ابراز کرد و اینکه کدام یک از ملل دنیا مخترع این هنر بوده‌اند، هنوز میان محققان وحدت نظری حاصل نشده است، ولی از نظر وجوه مشترکی که مواد مورد نیاز در هنرهای آتشی با هم دارند بعید به نظر می‌رسد که در میان ملتی لعاب‌های رنگی بر روی سفال و کاشی به کار رود و بر روی فلز به کار نرفته باشد.

ترکیب لعابهایی جهت کاشی که در درجه حرارتهایی متجاوز از هزار درجه در کوره پخته و ثابت می‌شده‌اند از دیرباز در ایران شناخته شده و نیز صنایع فلزی در سرزمین ایران سابقه بسیار قدیمی دارد. از طرفی میناسازی نیز عبارت است از به کار بردن رنگهای لعابدار بر روی فلز و پختن آن در حرارت‌های زیاد ولی تاکنون مینایی که از نظر قدمت همزمان با سفالینه‌های لعابدار ساخته شده در ایران باشد، به دست نیامده است.

از طرف دیگر، این احتمال نیز وجود دارد که لعابهایی رنگی بر روی آثار فلزی بر اثر عواملی چون: ترک برداشتن، شکننده بودن لعاب شیشه‌ای و سطح لغزندهی فلز، به مقاومت این لعابها بر روی سطح ناصاف خشت گلی نبوده باشد، کم‌اینکه در بسیاری از سفرنامه‌ها و خاطرات، سیاحان به آثار مینایی در دوره‌ی خاص تاریخی اشاره میکنند اما اثری از این اشیاء در کاوشهای باستان شناسی به دست نیامده. به همین دلیل یافتن تاریخ دقیق قدمت این هنر در ایران (و جهان) کاری است بس دشوار.

مینا سازی در ایران قبل اسلام

در دوره هخامنشیان با توجه به گستردگی صنعت فلزکاری و همچنین شناخت و آگاهی هنرمندان این دوره از لعاب و خاصیت رنگ دهی اکسیدهای فلزی در برابر حرارت، احتمال کاربرد مینا در تزئین آثار فلزی در این دوره چندان دور از ذهن نمی رسد.

" شاهد این مدعا یک جفت حلقه قدرت طلای هخامنشی است که در موزه بریتانیا (و جفت دیگر آن در موزه ویکتوریا و آلبرت است) نگهداری می گردد. در درون حفره‌های ایجاد شده بر روی حلقه، آثار مینا را می توان مشاهده کرد. این نمونه را میتوان آغازی برای میناکاری دانست که امروزه به مینای خانهبندی شهرت دارد. " (ضرغام، 27,1388) (تصویر 1-1)



تصویر 1-1 حلقه قدرت طلا.

(ضرغام، 28.1388)

" همچنین دو نمونه برگزیده از میناکاری مللیهای، معروف به جفت دستبندهای کولوبا در موزه آرمنیاز و ساخته شده از مینای آبی بر زمینه طلا، باید از ایران دانست ، یکی بر پایه‌ی ویژگی آرایهای و دیگر به خاطر رابطی تنگاتنگش با مرصعکاری هخامنشی. " (پوپ، 971,1938)

با نگاهی به آثار مرصعکاری و میناکاری این دوره میتوان به این نتیجه رسید که تکنیک مینایی هنرمندان هخامنشی، تکنیکی نزدیک به شیوهی میناکاری حجرهای یا خانهبندی است. احتمالاً هنرمندان و صنعت گران این دوره روشی را که برای نشان دادن سنگهای قیمتی بر روی اشیاء فلزی اعمال میکردند را برای آثار مینایی نیز مورد استفاده قرار میدادند با این تفاوت که در حفره‌های ایجاد شده به جای سنگهای گرانبها از پودر لعابهای رنگی مورد استفاده در کاشیهای لعاب دار، میریختند و سپس حرارت میدادند. (تصاویر 1-2)



تصویر 1-2 دستبند و گوشواره طلا. مرصع کاری شده. موزه میهو در ژاپن (محمدپناه، 70.46.1386)

می دانیم که رنگهای کاشیهای این دوره به طور عمده رنگهای سبز، آبی فیروزه ای، آبی لاجوردی و زرد خلاصه می شده است. شاید بر این اساس بتوان حدس زد که رنگ های مینایی دوره هخامنشیان نیز به رنگ های ذکر شده محدود می شده است. (تصویر 1-3)



تصویر 1-3 کاشی مینایی دوره هخامنشیان (گیرشمن، 100.1979)

لازم به ذکر است که یافته ها و کاوشهای باستان شناسی ما را به سمت این نظر سوق میدهد که مرصع کاران و میناکاران این دوره از تکنیک میناکاری بیشتر برای تزئین زیورآلات بهره میبردند. بعد از امپراطوری هخامنشی، از هنر میناکاری دوره اشکانیان اطلاعات درستی در دست نیست اما شاید بتوان به دو دستبند طلا که با مینای آبی به روش مليله کار شده است و اکنون در موزه آرمنیائز نگهداری می شود، اشاره کرد. البته این شیء به دلیل شباهتش به آثار ایرانی به عهد اشکانیان نسبت داده می شود. (دقت، 1372)

همان طور که دیده شد از هنر میناکاری هخامنشیان و دوره بعد از آن، یعنی اشکانیان اطلاعات دقیق و کاملی در دست نیست و فقط می توان از روی آثار به جا مانده از این دوران به حدس و گمانهایی رسید که ذکرشان گذشت.

اما در دوره ساسانیان شواهدی در دست است که به طور یقین میتوان درباره این هنر در آن دوره به نظریاتی رسید. با نگاهی به ظروف مینایی باقیمانده از دوره ساسانیان که از نظر فنی و آرایش متفاوت از دیگر ظروف هستند میتوان به گستردگی و تنوع هنر مینا در این دوره تاریخی پی برد.

مولینیه، نویسنده کتاب "تاریخ میناسازی" معتقد است که میناهای ساخت امپراطوری بیزانس که در ردیف بهترین میناهای دنیا به شمار می رود از هنر میناسازی ایران الهام گرفته است و بنابر عقیده وی شاید قدیمیترین مدارک میناسازی موجود دنیا اثر هنرمندان ایران عهد ساسانیان باشد. در کتاب مزبور در فصلی که مربوط به میناسازی در امپراطور روم شرقی می باشد. ضمن بحث دربارهی آغاز این فن مینویسد:

" بدون آنکه بخواهیم این فن را منحصر به هنر ایران بشمار آوریم، باید در عین حال خاطر نشان سازیم که ایران تنها کشوری است که مستقیماً باعث رواج این هنر در امپراطوری روم شرقی یعنی در اروپای جنوبی گردیده است. در عین حال سایر اقوام اروپایی از طریق شمال، با این فن آشنا شدهاند. البته روشن شدن این مسائل بستگی به کاوشهایی دارد که در قرن حاضر در قفقاز و در دره دانوب به عمل می آید. در روی یک مدال طلای مزین به مینا که متعلق به موزه "ویسبادن"¹ می باشد، نام اردشیر به خط پهلوی حکاکی شده است. بدون شک باید گفت این مدال در زمان اسکندر سوم (امپراطوری روم شرقی 235-208 میلادی) که به ایران تاخته است و در موقع مراجعت از این سفر جنگی در کنار رود رن زندگی را بدرود گفته است به اروپا آورده شده. این مدال با آن که کوچک و ظریف است ولی محقق میدارد که فن میناسازی را در زمانهای قدیم رومیها از ایرانیان آموختهاند. از طرف دیگر دیده میشود که هنرمندان رومی در عصر ساسانیان به ایران رفتهاند تا تصویر شاپور را جهت ساختن روی جامها از آثار ایرانیان کپی نمایند. باز نکتهی دیگر که موید این مطلب است آن که "گرگوار کبیر"² در یکی از رسالههای خود به نام "تکاپرسیکا"³ از یک جلد انجیل نام میبرد که روی آن توسط هنرمندان ایرانی زرگری و میناسازی شده بود و به ملکهی

¹ Wiesbaden

² پاپ گرگوار، ملقب به کبیر، ثروتمندترین و مقتدرترین پاپ کلیسای کاتولیک در قرون وسطی است که از سال 590 میلادی تا 604

میلادی در این مرتبت رفیع جای داشت. (بایرناس، 1388، 640)

³ Tkapsyka

لمبارد(تئودولید) هدیه شده بود است. از روی تمام این مدارک و اشیاء موجود دیگر میتوان اضافه کرد و همچنان از این واقعیت انکار ناپذیر یعنی روابط روزمره و دائمی امپراطوری بیزانس با کشور ایران میتوان پی برد که هنر میناسازی از کشور ایران به روم شرقی آمده است و اولین مدال هایی که سرمشق صنعتگران روم شرقی قرار گرفته، اثر هنرمندان ایرانی بوده است.(شریف زاده،1381)

رویین پاکباز نیز سابقه میناسازی را بسیار کهن میدانند و احتمال میدهد نخست ایرانیان در دوره ساسانی آن را ابداع کردند و سپس این هنر به روم شرقی منتقل شد.(پاکباز1378)

" شواهد استفاده از خمیر شیشه که باید آن را نوعی از میناکاری سرد دانست بطور کامل روشن نمی باشد. اما یکی از عالیترین نمونههای آن جام خسرو پرویز، متعلق به دوران ساسانی است که در کتابخانه ملی پاریس نگهداری میگردد. ترکیب هنری بینظیر و نقش خمیرشیشه در میان فلز، شیوه اتصال سنگها به جام از ویژگیهای این اثر میباشد. اگرچه این نوع زمینهی کار متفاوت است ولی باید توجه کرد که اساس و شیوهی کار در استفاده از خمیر شیشه و یا پودر شیشه بر روی فلز یکسان میباشد. (پوپ، 1938، 791) (تصویر 1-4)



تصویر 1-4 جام خسرو اول، موزه کتابخانه ملی پاریس، قطر 30 سانتیمتر (پوپ، 1938، 203)

"اوج تکامل هنر میناکاری ساسانی را میتوان در جام میناکاری شده که اکنون در موزههای در سوییس نگهداری میشود، دید. این ظرف دارای حاشیهای میناکاری شده از انواع نقوش و سمبل و طرحهای تزئینی ایرانی است. نقشهای این جام عمدتاً منقوش به طرح گلوبوته است که در اندازههای کوچکتری تا لبهی جام را نیز پوشانده است. حاشیهای اصلی نشاندهندهی جفتهایی از حیواناتی

مانند شیر یا شیردال است که در بخش میانی حاشیهای تزئینی میدرخشد و زیور زمینه است. در یک سوی این ظرف یک جفت شیر در دو طرف درختی ایستاده‌اند!" (پوپ، 1938، 782) (تصویر 5-1)



تصویر 5-1 ابریق طلا، دیر سن موریس، سوئیس، بلندا 30/3 سانتی متر (پوپ، 1938، 247)

جواهرات دوره ساسانیان نیز که با تزئینات میناکاری و مرصع کاری زینت یافته‌اند، آثاری قابل توجه- اند. زیورآلات که با خمیر شیشه که گونه‌های از مینای سرد به شمار می‌آید. " دو قطعه جواهر کوچک یکی در شبه جزیره تامان⁴ (کناره شرقی سیبری) که اکنون در موزه آرمیتاژ⁵ (تصویر 6-1) است و دیگری از کاوشگاه سامسون⁶ (ایالت شمالی ترکیه) در موزه لوور⁷. (تصویر 7-1) این هر دو نمونه چنان از نگاره‌های ساسانی سرشارند که محتمل مینماید از زیردست صنعتگران ایرانی بیرون آمده باشند. نگاره گلواره متشکل از چهار نقش قلبی و گلبرگی بیضوی واقع بر هر یک از محورهای موربش، با تک نگاره‌های گلوارهی طاقبستان همانند است. نگاره یاد شده با مهارت تام ساخته شده است و در مرحله‌های از کمال فنی و هنری حتی برتر از استادکاران مصری در صنعت جواهرسازی با خمیر شیشه قرار داشته است. " (پوپ، 1938، 971)

⁴ Taman

⁵ Hermitage Museum

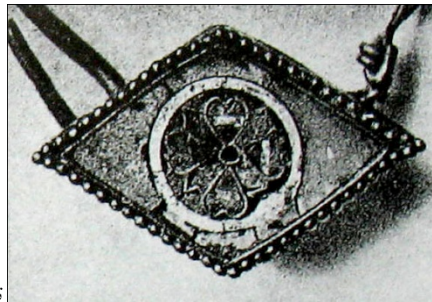
⁶ Samsun

⁷ Louvre Museum



تصویر 6-1 آویز با ترصیع خمیرشیشه، موزه آرمیتاژ، قطر 1/1 سانتی -

متر (پوپ، 1938، 248)



تصویر 7-1 آویز با ترصیع خمیرشیشه، موزه لوور، درازا 2/7 سانتی -

متر (پوپ، 1938، 248)

از دیگر زیورآلات مینایی این دوره یک جفت گوشواره‌ایست که در موزه لوور نگهداری میشود و از لحاظ فناوری پیشرفته در ساخت جواهری چند رنگ به مرحله‌های بس بالاتر از جواهرات دو رنگ اولیه رسیده. نمونه یادکردنی دیگر، سگک جامهای است به دست آمده از محل ریزانو در دالماسی است. در یک سمت سگک نگاره گلواره و بر سمت دیگر شکل شیر یا سگی با میناکاری خانه‌بندی، هر دو با ساختی استادانه به نقش رنگی درآمده است. گلواره مشتمل بر چهار نگاره قلبی یک در میان با چهاربرگ نوک دار، اندک تفاوتی را با گونه متفاوتش که در میان نگاره‌های طاق بستان از نظر گذشت، عرضه می‌دارد؛ و وجود رابط‌های نزدیک میان آن دو را نشان میدهد و دیگر این که در اساس همان نقشمایه در جام خسرو نیز دیده می‌شود. سگکی مینایی در موزه برلین⁸ همچنین نگاره-ای بسیار همانند نقشمایه‌ی طاق بستان را نشان میدهد، با این تفاوت که گلبرگ‌های قلب مانندش به شمسهای چهار دالبری تبدیل شده‌اند. مدال بزرگ میناکاری شده‌ای در موزه‌ی بریتانیا⁹، شمسهای چهار دالبری تبدیل یافته به نقش چهار گلبرگی نوکتیز را نشان میدهد که تنوع آفرینی دیگری از همان نگاره‌ی اصلی بوده است. مدال مینایی دیگری در موزه‌ی بریتانیا، چهار دالبری درون شمسه را

⁸ Berlin Museum

⁹ British Museum

با نقطه چینهایی نشان می‌دهد که در آن ویژگی اصلی آرایه پردازي ساسانی حفظ شده است. همین نگارها با ساز و پرداختی دیگرسان بر سطح سگک دیگری در موزه اشمولین¹⁰ پدیدار می‌گردد که در آن برگهای درون شمس به حاشیهی مدال بزرگ رانده شده‌اند.

سگکی مینایی در موزه لوور، و قبلاً در مجموعه کامپانا¹¹، همسویی اشکال دیگری با قطعه سن موريس و نیز دیگر شیر دالهای ساسانی مرتبط با آن را عرضه میکند. در موزه لوور، مدال مینای خانهبندی بزرگی وجود دارد که پرندهای با برگی در منقار را مجسم میکند و دقیقاً به همان شیوهای ساخته شده است که روی ابریشمینهای ساسانی نشان داده شده‌اند. (پوپ، 1938) (تصویر 8-1) کاسهی سیمین مکشوفه از کلاردشت و فرمهای قلبی شکل آن که با مینا پر شده‌اند، از دیگر آثار میناکاری ساسانیان میباشد. همه این آثار شواهد بیشتر و تعیینکننده‌تر برای این ادعا هستند که میناکاری خانهبندی یا همان میناکاری حجرهای در دولت ساسانی به پایگاه صنعتی مستقر از لحاظ هنری و تکامل یافته در جهت فنی رسیده بود و نیز به احتمال قوی این شیوهی اجرایی ریشه در خاک ایران داشته‌است.



تصویر 8-1 سگک مینایی، قطر 4 سانتیمتر، موزه لوور (پوپ، 1938، 248)

¹⁰ Ashmolean Museum

¹¹ Kampana

میناسازی در ایران پس از اسلام

اسلوب تزئینی ساسانی در فلزکاری دوره اسلامی، ادامه داشته‌است. اما در اوایل ظهور اسلام میناکاری رواج چندانی نداشته است. در این زمان هنر ایرانی در بیشتر موارد به تصویرسازی و تذهیب کتب اسلامی و هنرهای مربوط به تزئین کتب مقدس و اشیاء کاربردی مرتبط با آداب فرائض دینی و زیباسازی اماکن مذهبی متمرکز بود. ولی در هنرهای دیگر از جمله فلزکاری هم پیشرفتهای محدودی وجود داشته‌است. در اوایل دوران اسلامی نوع دیگری از فلزکاری مرسوم شد که بیش از انواع دیگر مورد توجه قرار گرفت؛ که شامل ظروفی بود از جمله شمعدان، آفتابه و لگن، هاون و ... بود که بر روی آن را با قلم کنده، گاهی نیز با نقره یا طلا نقوشی در آن بوجود آورده بودند. با روی کار آمدن سلاجقه در حدود 429 هـ. ق یک دوره‌ی مشعشع فلزکاری اسلامی آغاز گردید. از میان انواع هنرهای مربوط به فلز، میناکاری نیز در این دوره مرسوم شد. که " یکی از عالیترین نمونه‌ی میناکاری اسلامی موجود یک بشقاب برنزی است در موزه اینزبروک ¹² که با مینای چند رنگ با تصاویر انسانی و پرنده و حیوان در داخل اشکال ترنجی که با درخت نخل و تصاویر رقاصه‌ها از هم جدا شده تزئین گشته است. نوشته‌ی این بشقاب صاحب آن را « رکن الدوله داود ارتقی » معین می - کند که در شمال عراق در سالهای 502 الی 540 هـ. ق سلطنت میکرده است. "

(دیماند، 1336، 138) و یک آفتابه نقره میناکاری شده به تاریخ 623 ه.ق به امضای یک هنرمند این دوره در موزه متروپولیتن ¹³ دیده می شود. " در همین موزه یک پایه شمعدان نقره میناکاری موجود است که به امر سلطان بدرالدین لولو ساخته شده است. " (دقت، 1372، 51) از دیگر آثار میناکاری مربوط به هنرمندان عصر سلاجقه کتیبه‌های است موجود در موزه‌ی آرمیتاژ، به نام محمد بن الوحید هراتی مورخ 559 هـ. ق که میناکاری آن به وسیله‌ی « حاجب مسعود بن احمد » انجام گرفته است. (شریف زاده، 1381) و همچنین بزرگترین ظرف نقره‌های این زمان « سینی آلب ارسلان » است که اکنون در موزه بوستن ¹⁴ نگهداری میشود. این سینی هدیه‌ای است که ملکه به شاه تقدیم نموده است و تاریخ آن سه سال بعد از جلوس آلب ارسلان است. اسم شاه و ملکه با تمام القاب آنان و نام صنعتگر و هنرمند که به حسن الکاشاری موسوم بوده با خط زیبای کوفی به یک اندازه نوشته شده است. شکل سینی مدور و پشت آن کاملاً ساده و از نقره‌ی نسبتاً نازک ساخته شده است و شاید در اصل برای این ساخته‌اند که داخل ظروف دیگر یا روی قرار داده شود. در داخل لبه‌ی سینی و در

¹² Insbruk

¹³ Metropolitan Museum

¹⁴ Bostun

وسط آن، کتیبه‌های بسیار عالی به خط کوفی حک شده و حاشیهای ترتیب یافته است. زمینی کتیبه طرحی است از گل که دارای برگهای پنج پر و هفتپر است و نوک آنها پیچیده است. این طرح در صنعت سفال و تزئین عمارات آن زمان نیز دیده میشود. در بالای این حاشیهای کوفی، یک جفت غاز روبه روی یکدیگر نقش شده و پاهای آنها طوری محکم به زمین گذاشته شده که در داخل زمین فرورفته است. هر یک انتهای شاخهی موی طویلی را در منقار دارند. در قسمت پایین حاشیه دو بز کوهی بالرداری است که پای آنها نیز در زمین فرو رفته است. در طرح و نقش بعضی قسمتها چندان دقتی به عمل نیامده است و از این حیث مانند نقشهای ظروف نقرهای معمولی است. کلیه نقوش این سینی با دست کشیده شده و علائمی نیست که بنماید از روی اندازه رسم شده باشد. این سینی عالی، بهترین نمونهی صنعت فلزکاری و میناکاری عصر سلجوقی است. (ویلسن، 1371)

همچنین کاسهی مسی در اینزبروک که در دو طرف آن میناکاری حجرهای انجام گرفته کار منحصر به فردی از این دوره محسوب میشود. این کاسه برای یکی از فرماندهان سلجوقی ساخته شده است. بنا به زندگی ابن بی بی، هنرمندان سلجوقی در فلزکاری و به خصوص میناکاری بر روی برنج مهارت خاصی داشته‌اند. فنجان میناکاری که در موزه اینزبروک وجود دارد نشانه تبحر آنهاست. گویا در زمان سلجوقیان میناکاری بیشتر بر روی آثار برنجی معمول بوده است و نیز این محصولات در شهر دمشق و موصل تولید میشده است. (دقت، 1372) در این دوره نقوش مورد استفاده در اکثر هنرها نقوش گل و تاک، که البته سابقاً در ایران معمول بود، رونق تازه‌ای گرفت و حروف کوفی که برای این نقوش بسیار مناسب بود توسعه یافت. (ویلسن، 1371) با توجه به آثاری که ذکرشان رفت، می توان از این دوره به عنوان یکی از اعصاری یاد کرد که میناکاری جایگاه ویژه‌ای میان انواع هنرها داشته است.

بعدها در دوره مغول هنر میناکاری با غازان خان، اولین ایلخان مغول، که در فاصله سالهای 694 تا 703 هـ. ق حکمرانی کرد، سبک و ویژگیهای جدیدی برای خود تعریف کرد. غازان خان یکی از علاقه‌مندان به علم شیمی بود و بر خلاف پیشینیان خود که مبالغ هنگفتی را صرف دست یافتن به اکسیر و تبدیل مس به طلا کرده بودند، وی ترجیح داد دانش خود را صرف گسترش هرچه بیشتر هنر میناکاری نماید. در این دوره اشکال و تصاویری که چهره و لباس ایرانیان درباری را داشتند جای تصاویر عربی را که تا آن زمان معمول بود، گرفت. (گلاک، 1356) پس از دوره مغول، این شیوه تزئین آثار فلزی، در دوره تیموریان مخصوصاً ترصیع فلز به منتهی درجه ترقی خود رسید. تیمور اشتیاقی سرکش برای برخورداری از شکوه و تجمل و عرضه آثار نفیس و نادر و گردآوری عتیقهها و استادکاری به گرد خود داشت. (ضرغام، 1388) "وی به صورت یکی از مشوقان هنرمندان رشتههای